

مقدمات خلع قاجاریه و تاجگذاری رضاخان پهلوی

به گزارش اودیژی به یکی از معلمین فرانسوی دارالفنون*
و خانم درومپس پزشک و دانشجوی سابق مدرسه زبانهای شرقی

عطا آیتی

خلع قاجاریه از موضوعات مهم تاریخ معاصر محسوب می‌شود که با صحنه‌گردانی و حمایت دولت انگلستان از رضاخان پهلوی در محیطی آکنده از رعب و وحشت صورت گرفت. تباراً با دیدگاه مأمورین و کارکنان فرانسوی در خصوص کودتای ۱۲۹۹ و نقش انگلستان در آن واقعه آشنا شدیم.^۱ در این شماره نیز از طریق گزارش یکی از معلمین فرانسوی دارالفنون و خانم پزشکی به نام درومپس با دیدگاه آنها در خصوص خلع قاجاریه آشنا می‌شویم. نکته قابل تأمل در این گزارش انفعال جامعه در مقابل این اتفاق است که نویسنده گزارش بدون تشریح دلایل بروز چنین حالتی به آن اشاره می‌نماید. نکته بعد احساس رضایت انگلستان از این تغییرات است که در گزارش به روشنی آشکار است. البته تهیه گزارشی از مسائل سیاسی ایران و وضعیت فرانسویهای مأمور در آن از سوی یک پزشک و با معلم دارالفنون نیز خود قابل تأمل است.

۱. گزارش اودیژی

مدتی است که شما را از طریق پیغامهای کتبی در جریان تحولات جدیدی که در تهران به وقوع پیوسته است، قرار نداده‌ام. در حقیقت، این تحولات باعث تعجب هیچ‌کس نشده است بلکه آنچه مایه شگفتی است سرعت وقوع این تحولات است.

* گزارش یکی از معلمین دارالفنون به نام «اودیژی»، به وزیر مختار سابق فرانسه شارل بونن این گزارش در چهار نوامبر ۱۹۲۵ در تهران به نگارش درآمده و در بایگانی وزارت امور خارجه فرانسه نگه‌داری می‌شود.
۱. عطا آیتی، «تازه‌هایی از کودتای ۱۲۹۹»، فصلنامه تاریخ معاصر ایران، سال پنجم، شماره ۱۹ و ۲۰،

در آخرین نامه‌ای که برای شما فرستادم، نوشته بودم که گروه زیادی از مردم ایران بی‌صبرانه در انتظار بازگشت شاه (احمدشاه) هستند و گروهی دیگری از اقشار مردم این کشور از روی کنجکاوی منتظر ورود او می‌باشند. زمانی که آنان از تصمیم شاه بر عدم بازگشت به ایران آگاه شدند، موجی از ناپاوری و ناامیدی در میان آنها برانگیخته شد. با وجود آن، در بعضی از مجامع و محافل ادعا می‌شد که چنین تصمیمی یک نوع بازی سیاسی محسوب می‌شود و در یکی از همین روزها شاهد خواهیم بود که شاه با هوایمایی در زمین وسیع پادگانی فرود خواهد آمد.

در چنین صورتی، این حرکت شاه همانند صحنه تأثیرانگیزی جلوه می‌کند که احتمالاً اثر بسیار زیادی بر روی مردم ایران خواهد گذشت. به هر حال، یک چنین حرکتی هیچ‌گونه ضربه و خدشه‌ای به سلسله قاجاریه وارد نمی‌کند.

در حدود یک ماه پیش اولین تظاهرات خودجوش مردمی در مجلس رخ داد و گروهی از نمایندگان مجلس یا اعضای کمیسیون که در آنجا حضور داشتند، مورد بدرفتاری و توهین قرار گرفتند.^۲ در گوشه و کنار گفته می‌شد که این تظاهرات یک بازی سیاسی بوده و به زودی از این‌گونه مانورها هیچ اثری باقی نخواهد ماند و هیچ‌کس آنها را جدی تلقی نخواهد کرد. همه چیز به حالت عادی خود بر می‌گردد. هیچ‌گونه شک و سوءظنی نسبت به وقایعی که به زودی در تهران به وقوع خواهد پیوست در ذهن هیچ‌کس وجود نداشت، حتی در بین اطرافیان ولیعهد. در یک چنین جوی بود که ناگهان در روز شنبه ۳۱ اکتبر اطلاع پیدا کردیم که مجلس، احمدشاه را از سلطنت برکنار کرد و سردار سپه را به مقام رئیس وزرا برگزیده است.^۳ من از آن صحنه حاکم بر مجلس که طبق گفته بعضی خیلی پرصدا و جنجالی بود و بنا بر گفته برخی دیگر کاملاً آرام بود، سخنی به میان نمی‌آورم. گفته می‌شود که معاون ریاست مجلس، در این نشست، عزل احمدشاه از سلطنت را به نمایندگان پیشنهاد می‌نماید. یکی از نمایندگان پیشنهاد می‌کند که رأی نمایندگان باید به‌طور محرمانه صورت گیرد و یکی دیگر از آنان اعلام می‌دارد که در

۲. در اول مهرماه ۱۳۰۴ و در بی‌تصمیم احمدشاه مبنی بر بازگشت به ایران که در ۲۲ شهریور ۱۳۰۴ به رضاخان سردار سپه تلگرافی ابلاغ شد. تظاهرات مشکوکی در تهران راه‌اندازی شد که سازماندهی آن توسط عوامل رضاخان صورت گرفت، بهانه کمبود نان و ارزاق عمومی بود که منجر به ضرب و جرح نمایندگان مجلس شد. در جریان درگیری شلیک نظامیان باعث کشته و زخمی شدن عده‌ای از مردم و اعلام حکومت نظامی شد. در چنین شرایطی فعالیت سردار سپه و اطرافیان او برای خلع قاجاریه نیز افزایش یافت.

۳. رضاخان به سمت رئیس حکومت موقتی منصوب شد و نه رئیس‌الوزرا.



احمدشاه قاجار و رضاخان سردار سپه به همراه جمعی از رجال و درباریان | ۲۴۱۲-۱ع

مورد یک چنین مسئله مهمی می‌بایستی که هر یک از نمایندگان با شهامت و افتخار مسئولیت خود را انجام داده و رأیشان را به صورت علنی ابراز دارند تا بدین ترتیب ملت ایران خدمتگزاران واقعی خود را بهتر بشناسد. سرانجام، نمایندگان مجلس به صورت علنی رأی خود را دادند. آنان همگی به عنوان موافق،^۴ از جای خود بلند شدند و بدین‌گونه به سلسله قاجار پایان دادند. باید یادآوری کرد که در این زمان، موتمن‌الملک [حسین پیرنیا] چند روز بود که از مقام ریاست مجلس استعفا داده بود و مستوفی‌الممالک هم هنوز سمت ریاست مجلس را نپذیرفته بود. با وجود پخش این خبر در تهران هیچ‌گونه تظاهراتی در سطح شهر برپا نشد و در حدود ساعت ۱۲ ظهر به هنگامی که از مدرسه دارالفنون خارج می‌شدم، هیچ‌گونه جنب و جوش غیرعادی در شهر به چشم نمی‌خورد. در ساعت دو بعدازظهر، صدای شلیک چند توپ از سوی خانه سردار سپه شنیده شد. شلیک این توپها به منظور تبریک و شادی از قبول سمت نخست‌وزیری [ریاست حکومت موقت] از جانب سردار سپه بود. حتی شایع بود که سردار سپه بدون اینکه ادعای سلطنت را داشته باشد، به‌طور غیرمستقیم بر اریکه سلطنت نشسته است. به هر حال حوادث و وقایع بعدی نشان خواهد داد که سردار سپه همواره در اندیشه رسیدن به پادشاهی بوده است.

در حدود ساعت پنج بعد از ظهر که ما شاهد شادی و پایکوبی جماعتی از شهروندان تهرانی نسبت به سردار سپه بودیم، وی به هنگام خروج از منزلش مورد استقبال و تظاهرات گرم گروهی از مردم که به دور اتومبیل وی جمع شده بودند، قرار گرفت. فردای آن روز، یعنی روز یکشنبه سران ارتش به دیدار سردار سپه رفتند. آنان از این ملاقات آنچنان احساس غرور و افتخار می‌کردند که گویی به پیروزی بزرگی دست یافته‌اند.

اوضاع شهر همچنان آرام بود و هیچ‌گونه کمبودی از هر لحاظ در خیابان لاله‌زار احساس نمی‌شد. بدین ترتیب می‌توان ادعا کرد که سلسله قاجاریه از صحنه تاریخ بیرون می‌رود و شب هنگام، حدود ساعت ۹، بدون اجرای موسیقی ولیعهد را که بعد از عزیمت برادرش تا حدودی وجهه‌ای در میان مردم داشت، در اتومبیلی قرار دادند و همراه با محافظ یکسره، وی را به بغداد فرستادند.

یکشنبه، دوشنبه و سه شنبه برنامه آتش‌بازی به اجرا درآمد. امشب که شب

۴. پنج تن از نمایندگان مجلس یعنی سید حسن مدرس، محمد مصدق، حسین علاء، سید حسن تقی‌زاده و حاج میرزا یحیی دولت‌آبادی به لایحه خلع قاجاریه رأی منفی دادند.

چهارشنبه می‌باشد آیا باز هم شاهد برنامه آتش‌بازی خواهیم بود؟ در شهر به ندرت شاهد برافراشتن پرچم و چراغانی کردن مغازه‌ها هستیم، در برخی از مغازه‌ها یک یا دو چراغ و در بعضی اوقات شمعی روشن بود. خلاصه کلام اینکه، چندان شور و هیجان خودجوش در میان مردم دیده نمی‌شود. این چنین به نظر می‌رسد که شهروندان تهرانی این تحولات سیاسی را با بی‌تفاوتی و بی‌علاقگی پذیرفته‌اند. در مورد شهرهای ایران، از چند روز پیش تعداد متعددی تلگراف به تهران ارسال می‌شود مبنی بر اینکه سردار سپه را به عنوان شاه ایران برگزیدند.

دوشنبه صبح در مراسم معرفی اعضای دولت حضور داشتیم که در آن کارکنان عالی‌رتبه وزارت‌خانه و همه ادارات دولتی به حضور سردار سپه معرفی شدند. این مراسم در محل مدرسه نظام انجام گرفت و معرفی وزیران در کاخ رئیس جدید برپا شد. روز انجام مراسم، روزی بارانی بود، هوا ابری و گرفته و مرطوب بود و یک چنین اوضاعی جوی در ایران واقعاً غیرقابل تحمل می‌باشد. تعداد افراد شرکت‌کننده زیاد بود و آنها یا به صورت گروهی و یا پراکنده در محوطه مدرسه نظام که فضای وسیعی دارد، تجمع کرده بودند. از آنجایی که تمام این افراد خود را در رفاه و آسایش در ایران تصور می‌کردند، هیچ‌گونه نشان و علائمی از اضطراب و ناراحتی بر روی چهره‌های آنها دیده نمی‌شد. قیافه‌ها هم خشک و بی‌تفاوت بودند. در بین شرکت‌کنندگان نوعی بی‌اعتمادی نسبت به همدیگر حس می‌شد. گفت‌وگوهای بی‌محتوا پیرامون وضعیت سردی و گرمی هوا می‌چرخید. در این راستا، هوای تهران روبه سردی می‌رفت، کوهستان اطراف از برف پوشیده شده بود. سپس شرکت‌کنندگان در دسته‌های کوچک از میان باغچه‌ها، خیابان و حیاط درختکاری شده کاخ عبور می‌کنند. این جابه‌جایی و حرکت دسته‌ای شرکت‌کنندگان، بیشتر مراسم تشییع جنازه را به خاطر می‌آورد. صدای مسئول تشریفات به گوش می‌رسید که میهمانان را صدا می‌زد. جالب اینکه مراسم، در سالتی که هنوز کارهای ساختمانی آن به اتمام نرسیده بوده، برگزار می‌شد. من که در میان گروهی از حضار قرار گرفته بودم به خاطر ازدحام جمعیت به نردبان بناها که در گوشه‌ای بر جای مانده بود، تکیه زدم.

امروز صبح به من گزارش دادند که سردار سپه اعلام نموده که تا به امروز تلاش بیشتر دولت در جهت بازسازی قوای نظامی و تشکیل یک ارتش مقتدر و منظم بوده است و از آنجا که دولت به اهداف خود در این زمینه دست یافته است، از این به بعد کوششهای

خود را متوجه توسعه آموزش و بالا بردن سطح تعلیم و تربیت جامعه خواهد کرد. انشالله (لفظ در متن به فارسی است) که من در این نهضت سوادآموزی! در ایران به سهم خود نقشی را ایفا نمایم.

سؤالی که در حال حاضر در بیشتر اذهان عنوان می‌شود، اینکه بعد از این، چه مسائل و وقایعی در ایران رخ خواهد داد؟ این چنین بنظر می‌آید مردم تغییرات سیاسی اخیر؛ را پذیرفته‌اند. در مجلس، چند مورد اعتراض به این وقایع مطرح گردید، ولی چندان بازتابی در محافل و کل جامعه نداشت برای توجیه این بی‌تفاوتی عمومی گروهی می‌گویند که مردم دیگر از بی‌کفایتی دولت و حکومت خسته شده بودند، زیرا که شیرازه امور کشور از هم پاشیده بود، تجارت و بازرگانی راکد بود. صنایع کشور در وضعیت بسیار ناهنجاری به سر می‌برد، هیچ‌گونه پیشرفت و یا اصلاحاتی برای بهبود اوضاع مملکت در نظر گرفته نشده بود. تعداد افراد بیکار روزبه‌روز افزایش پیدا می‌کرد و جان کلام اینکه احساس اعتماد و علاقه در بین مردم از میان رفته بود و آنان آینده خود و کشور را تیره و تاریک می‌دیدند. دیگر زمان آن فرا رسیده بود که دولت به این اوضاع اجتماعی و اقتصادی ناهنجار کشور پایان دهد. بنابراین اگر حاکم جدید ایران موفق به انجام اصلاحات جدید در کشور بشود و اگر وی بتواند از طریق این اصلاحات بهبودی در وضع عمومی کشور حاصل کند و رفاه و آسایش مردم را تأمین نماید و قیمت نان را کاهش دهد و امکانات بهتری از لحاظ مسکن و وضعیت مالی برای مردم ایجاد کند، در یک چنین حالتی سردار سپه لیاقت این را خواهد داشت که بر تخت پادشاهی ایران جلوس نماید و سلسله پادشاهی جدیدی را در ایران پایه‌گذاری نماید. در غیر این صورت ایران دچار انقلاب و دگرگونی خواهد شد و در آن موقع باید به دنبال شاه دیگری برای این کشور گشت.

اما قبل از پرداختن به این مسائل، در محافل سیاسی صحبت بر سر قانونی بودن عمل مجلس در مورد برانداختن سلسله قاجاریه و عزل احمدشاه از سلطنت می‌باشد، زیرا که قانون اساسی کشور ایران سلسله قاجاریه را به رسمیت می‌شناسد و در ضمن نمایندگان مجلس سوگند خورده‌اند که به قانون اساسی وفادار باشند.

در اینجا این سؤال مطرح می‌شود که انتخاب یک سمت جدید، تحت عنوان رئیس دولت چه معنی می‌دهد؟ آیا با دادن چنین عنوانی به سردار سپه، دیگر امکان نداشت که به وی برچسب دیکتاتور زده شود؟ در این روزها می‌بایستی نخست‌وزیر انتخاب شود.

برای این سمت نام وثوق‌الدوله که بنابر روایتی در بغداد به سر می‌برد، بر سر زبانهاست، ولی وی شخصیت سیاسی مورد اعتمادی نیست و مردم به وی سوظن دارند. بعد از وثوق‌الدوله، سخن از ذکاء‌الملک به میان می‌آید، او به این مقام برگزیده نمی‌شود و شاید کس دیگر را در نظر دارند، به هر حال جست‌وجو برای یافتن شخصیتی مناسب ادامه دارد.

نمایندگیهای خارجی چه عکس‌العملی را می‌بایستی نسبت به دولت جدید از خود نشان دهند؟ در یک چنین اوضاعی سردار سپه فرمان فوری تشکیل مجلس مؤسسان را می‌دهد و امیدوار است که این مجلس در زمان کمتر از دو هفته و با شرکت اکثر نمایندگان واجد شرایط برگزار شود. انجام یک چنین برنامه‌ای به معجزه شباهت خواهد داشت. مجلس مؤسسان در صورتی که برپا گردد، قوانینی که لازم خواهد بود، یقیناً اتخاذ خواهد کرد و هر چه را تصویب نماید حکم قانونی خواهد داشت. باید هنوز کمی صبر داشت تا ببینیم از این معرکه سیاسی و ناهنجاری اجتماعی چه ثمره‌ای به دست خواهد آمد. در حال حاضر ما شاهد یک بحران سیاسی هستیم که به زودی این بحران از میان خواهد رفت ولی فقط نمی‌دانیم پس از چنین بحرانی برای چه مدت زمانی این حکومت دارای ثبات و آرامش خواهد بود؟ فقط خدا می‌داند!

در اینجا پرسشی که مطرح می‌شود اینکه در تحولات سیاسی اخیر، انگلیسها و روسها چه نقشی را ایفا کرده‌اند؟ پاسخ به این پرسش کار دشواری می‌باشد ولی افکار عمومی بر این اعتقاد دارند که تحولات سیاسی ایران با دخالت دولت انگلیس صورت گرفته است و روس نیز در برابر آن هیچ‌گونه مخالفتی از خود نشان نداد. به نظر، یکی از خصوصیات سیاست عمومی روسها این می‌باشد که به‌طور مستقیم در امور سیاست داخلی کشوری دخالت نکنند، بلکه از طریق فعالتهای تبلیغاتی، ایدئولوژیکی، دخالتهای خود را بیشتر می‌کنند. این کشور نفوذی در میان شخصتهای عالی‌رتبه و قشر بالای جامعه ایران ندارد، برعکس در بین توده مردم و قشرهای زحمت‌کش این کشور تأثیری گذاشته است. دولت اتحاد جماهیر شوروی آیا امید دارد که تحولات اخیر ایران باعث ایجاد آشوب و هرج و مرج در این کشور شود و زمینه را برای تقویت تبلیغات شوروی فراهم آورد و در یک چنین حالتی رقبای سردار سپه برای مدد گرفتن و به دست آوردن قدرت به آنها روی آورند؟ فعلاً، آنها سکوت کرده‌اند ولی باید یادآور شد که کشتیهای جنگی روسها در آبهای بندر انزلی لنگر انداخته‌اند و آنجا را ترک نمی‌کنند.

شاید انگلیسیها در این تحولات دخالت داشته‌اند و یا شاید هم بلوف زده باشند ولی به هر حال باید بگویم که آنچه را من در روز شنبه شاهد آن بودم نشانگر این است که آنها خود را برنده این بازی سیاسی می‌دانند. بار دیگر متذکر می‌شوم که اوضاع سیاسی و اجتماعی ایران بسیار وخیم و خطرناک به نظر می‌رسد و آینده آستان حوادث اسرارآمیزی می‌باشد. چنین امری نه تنها در مورد حکومت موقت فعلی صادق است بلکه حتی زمانی که این حکومت وضعیت بهتری پیدا کند از گزند حوادث در امان نخواهد بود. در هر حال دولت انگلستان همین حکومت موقت را نیز به رسمیت شناخته است.

پرسشی که در اینجا عنوان می‌گردد اینکه در صحنه جدید سیاست ایران، آیا فرانسه قادر است نقشی را بر عهده گیرد و جای پایي در این کشور برای خود باز کند؟ شخصاً تردید دارم که دولت فرانسه بتواند در اینجا منافع و امتیازاتی به دست آورد، زیرا که در ایران برای فرانسه اهمیت زیادی قایل نیستند. گذشته از آن، ایرانیان دارای احساسات ضدخارجی می‌باشند و حس ملی‌گرایی در آنها بسیار قوی می‌باشد. مع‌ذالک باید اعتراف کرد که سیاستهای ما در قبال ایران ناموفق بوده است، هر چند که بعضی از هموطنان ما کوشیده‌اند تا نقشی در رابطه ایران و فرانسه بازی کنند و تا به اکنون به نتایجی نیز رسیده‌ایم. به همین جهت پرنی^۵ می‌گوید که از سمت خود استعفا خواهد داد و ماه آینده ایران را ترک خواهد کرد. قرارداد استخدامی لایونز^۶ تمدید نخواهد شد. فراشون^۷، علی‌رغم لبخندهای رضایت‌بخش از کارهایش، بنا بر تصمیم مجلس از کار برکنار خواهد شد. و دکتر ویلهلم^۸، در وضعیت بسیار حساسی قرار دارد و انتقادات زیادی به او شده است. آنچه که به شخص خودم مربوط می‌شود، باید بگویم که مسئولیت‌های مرا به شاگردان خودم محول کرده‌اند و مدیر دارالفنون و مدرسه پزشکی اعلام نموده‌اند که علاقمندند من تا پایان سال تحصیلی یعنی آخر ماه مه در سمت خود باقی بمانم. ولی برای اینکه آنان بتوانند مرا تا آن تاریخ در مقام خود نگه دارند، احتیاج به یافتن منابع مالی جدیدی دارند. من نمی‌دانم آیا آنان توانسته‌اند وام لازم را (حدوداً ۲۰۰۰ هزار تومان) تهیه کنند و در شرایط جدید سیاسی و حوادثی که در صحنه سیاسی ایران رخ داده است، چه برنامه‌هایی را می‌خواهند به اجرا درآورند. ما از خود سؤال

5. Pery

6. Laponge

7. Frachon

8. Wilhelam

می‌کنیم آیا مجلس ایران به کار خود ادامه می‌دهد، زیرا که طبق شرایط جدید، مجلس فقط تا دو ماه دیگر می‌تواند به فعالیتهای خود ادامه دهد.

کوتاولس^۹ (مسئول شرکت ماشین‌سازی سیتروئن) دیگر قادر به فروش ماشینهای این شرکت به ارتش ایران نمی‌باشد و حتی، بخش غیردولتی نیز، بازاری برای فروش ماشینهای سیتروئن پیدا نمی‌کند. کاپیتن برتراند^{۱۰} کمترین بختی برای نفوذ و رابطه با ستاد ارتش ایران را ندارد. کلنل رنتی^{۱۱} رئیس شرکت هواپیمایی تجارتمی بین‌المللی به اتفاق خلبان شخصی‌اش آس نوگس^{۱۲} و یک مکانیسین به نام مورن^{۱۳} به ایران آمده است. وی از دولت ایران تقاضای به دست آوردن امتیاز پست هوایی را داشت. او به دولت ایران پیشنهاد می‌کرد که از طریق بغداد، حلب، قسطنطنیه، وین و پاریس یک خط هوایی برای خدمات پستی ایران برقرار نماید. در این پروژه با شرکت یونکرس^{۱۴} در رقابت می‌باشد. واقعاً باعث خوشحالی خواهد بود اگر بتوانیم آینده با این خط هوایی به فرانسه مراجعت نماییم. ولی افسوس، بعد از تاریخ ۱۳ دسامبر، قراردادهای کاری ما به پایان می‌رسد و مجبور هستیم که ایران را ترک نماییم و ضمناً هیچ دلیلی در دست نمی‌باشد که ادعا کنیم، دولت ایران این امتیاز را به کلنل رنتی خواهد داد. من واقعاً کنجکاویم که بدانم کدام یک از این دو شرکت (یونکرس و یا شرکت فرانسوی) این قرارداد را خواهند برد. کشیش شاتله، این راسپوتین کوچک که احضار شده بود، به فرانسه مراجعت کرد و به جای وی کشیش دل‌ته^{۱۵} را که از اصفهان فراخوانده‌اند، برگزیده‌اند وی علت احضار خود را به گزارش کشیش مارتن^{۱۶} که در آن از وی سخن به میان آورده است، نسبت می‌دهد. در نمایندگی فرانسه در تهران، لاگرد^{۱۷} که سمت سفیر را داشت از این کار برکنار می‌شود و به جای وی، فواسیره^{۱۸} که جوانی بسیار خوشرو و مؤدب می‌باشد به خدمت گرفته می‌شود.

خانواده بلان^{۱۹} ناخوش هستند و تب دارند. در جمع، فصل بدی را می‌گذرانیم. همه فکر و مشغولیاتمان را متوجه ترک ایران کرده‌ایم. ما در حال فروش خانه‌مان هستیم و تدارکات مسافرتیمان را برنامه‌ریزی می‌کنیم. چنین کاری آسان بنظر نمی‌رسد. هنوز

9. Cotavos

12. As Nagues

15. Deliheit

18. Fouassica

10. Bertarand

13. Morin

16. Martin

19. Bellan

11. Renty

14. unkens

17. Lagarde

نمی‌دانیم از چه راهی به فرانسه مراجعت کنیم. از طریق روسیه چندان دلبستگی نداریم و از راه بغداد نیز مشکلات خاص خود را دارد به ویژه در ماه دسامبر که باید از راههای پر برف عبور نمود. موضوع مسافرتمان واقعاً ما را کلافه کرده است سفیر کشورمان هنوز به ما امیدواری می‌دهد که می‌کوشد تا مسافرت ما را از ایران به فرانسه تا ماه مه به تأخیر بیندازد. ولی باید قبول نمود که وی خیلی دیر به این فکر افتاد و دیگر کاری از دست او بر نمی‌آید.

۲. خلاصه نامه‌ای از خانم درومپس^{۲۰}

پژشک و دانشجوی سابق مدرسه زبانهای شرقی به پُل بویو^{۲۱}

تهران سوم مه ۱۹۲۶

اکنون، در ایران همه چیز به حالت تعطیل درآمده است، زیرا که از ده روز پیش، این کشور در مراسم جشن تاجگذاری به سر می‌برد و این امر، تمام توجهات را به خود معطوف کرده است.

در کاخ گلستان، رضاخان پهلوی تاج شاهنشاهی را با دست وزیر دربار بر سر نهاد. وی تاج پادشاهی بر سر داشت که قلب آنرا جواهرساز روسی آراسته بود و به یقین هزینه آن کمتر از صدهزار فرانک خرج بر نداشته بود. عصای شاهنشاهی تقدیمی از استان آذربایجان بود. در کنار رضاخان پهلوی، ولیعهد هشت ساله نشسته بود. سپس، شاه جدید ایران سوار کالسکه شد و به اتفاق تمام وزرای خود، خیابانهای چراغانی و آراسته به پرچم ایران را بیمودند.

بعد از مراسم، جواهرات تاجگذاری در سرسرای محل تاجگذاری در ویتربنی؛ کنار تخت طاووس نادرشاه در معرض نمایش قرار گرفته بود. این مجموعه شامل تاج و عصای شاهنشاهی شاه کنونی ایران و تاج و سلاحهای نادرشاه که تمامی را از هند آورده بود، می‌باشد. این جواهرات با ذوق و سلیقه خاص، خانم لودی لورین^{۲۲} همسر سفیر انگلستان، تزیین و آراسته شده و به تماشا درآمده بود. البته این مجموعه به انضمام جواهرات دیگر باعث برانگیختن سر و صدا در بین دیپلماتهای خارجی خواهد شد. در کل ایرانیان، اهمیت سیاسی موضوع را در نظر نمی‌گیرند. کار همسر سفیر

20. Deromps

21. Paul Boyer

22. Lody loraine

انگلستان که شخصاً به کاخ رفت و به تنهایی مدیریت آراستن جواهرات را بدست گرفت بیشتر به عنوان زستی از طرف معاون پادشاه انگلستان محسوب می‌گردد تا همسر سفیر انگلستان. می‌دانیم که تقریباً تمام سفیران خارجی متأهل هستند و دربار ایران می‌توانست از چند تن از این بانوان تقاضای کمک نماید. ولی لودی لورین مسئولیت نظم و ترتیب جواهرات را به عهده داشت!

مراسم تاجگذاری به همراه ضیافت در همه جا تقریباً یکسان اجرا شد. نخست در کاخ گلستان جشن و پذیرائی بود، سپس برای اولین بار بطور رسمی، در وزارتخانه امور خارجه، ضیافتی دادند که افتتاح آن بارقص سفیر انگلستان شروع شد. وی به اتفاق همسر خود تقریباً تا پایان شب می‌رقصیدند.

در کاخ گلستان، شخصی که نام‌اش را فاش نمی‌کنم، به کنایه و حالتی صادقانه به من گفت: «که رضا شاه در مقایسه با فیصل به نهایت اصالت و اُبَهِت دارد.» آیا این شخص واقعیت را بیان می‌کرد یا اینکه قصد تمسخر داشت؟ خلاصه اینکه در این سو و آن سو، شنیده می‌شد که به برنامه‌های سیاسی و ثوق‌الدوله باز می‌گردیم یعنی بازگشت نفوذ و برتری انگلیسیها در ایران. شایع است که از لندن تقاضای استخدام مستشار برای سازماندهی ارتش ایران خواهد شد.

می‌دانم که در شرق، حرف زیاد گفته می‌شود که سپس آنرا تکذیب می‌کنند، اما شخصاً به حرفهایی که در کوچه و بازار مطرح می‌گردد، بیشتر اهمیت می‌دهم، زیرا که موافقی اتفاقاً برایم پیش آمده که حرفهای کوچه و بازار به واقعیت پیوسته است به هر حال، باید منتظر تأثیر تحولات سیاسی بر وضعیت کارمندان خارجی ماند. البته، کارمندان انگلیسی مستثنی هستند. هنگامی که من وارد ایران شدم، دولت و ثوق‌الدوله بر مصدر قدرت بود و بیشتر ابراز علاقه برای استخدام کارمندان خارجی از خود نشان می‌داد تا دولتهای ملی‌گرایی که بعد از آن زمام امور را در دست گرفتند.

در اینجا، چندین نکته را به عرض مدیر گرامی ام برسانم:

اخیراً، سفیر جدیدمان وارد تهران شده است. علی‌رغم تأخیرش در بغداد، به علت بالا آمدن غیر طبیعی سطح آب رودخانه فرات، ولی وی زودتر از موعد تاجگذاری به ایران رسیده. خانواده بلان ارکان اصلی نمایندگی فرانسه را در تهران تشکیل می‌دهند. این خانواده از قدیمی‌ترین افراد بین ما در این کشور می‌باشد. زیرا که، شش سال قبل از ورود من به ایران، خانواده بلان در نمایندگیمان انجام وظیفه می‌کرده است.

در عوض، قرارداد پرنی به علت عدم کارنامه رضایت بخش تمدید نمی‌شود و وی را از دست خواهیم داد. دیگر قراردادهای فرانسویان، بجز یک نفر و این هم فراشون، مجدداً تمدید می‌گردد که تمدید قرارداد وی را در دستور کار مجلس آینده گذاشته‌اند. در مورد خودم، باید حضورتان عرض می‌کنم که تا یکسال دیگر در این کشور باقی خواهم ماند و ایرانیان در نظر دارند مرا نگهدارند، زیرا که صحبت از انتقال مدرسه زایمان به یک مدرسه پزشکی برای زنان در میان است.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی